

تحلیل میزان آشنایی و کاربرد واژگان گویش کرمانی در دو گروه سنی و جنسیتی از گویشوران بومی

رحیمه روح‌پرور^{۱*}، علی اصغر رستمی ابوسعدی^۲، علی حاج باقری^۳، محسن مددی^۴

۱. استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. استاد زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۳. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

۴. دانشیار آمار، دانشکده ریاضی و کامپیوتر، دانشگاه شهید باهنر کرمان

پدیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۲۶

دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۵

Analyzing the Degree of Familiarity and Usage of Kermani Dialect Words by Two Age and Gender Groups of Native Speakers

Rahimeh Roohparvar^{1*}, Ali Asghar Rostami Abusaeedi², Ali HajBagheri³, Mohsen Madadi⁴

1. Assistant Professor of Linguistics, Department of Foreign Languages, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman

2. Professor of Linguistics, English Department, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman

3. M.A. in Linguistics, English Department, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman

4. Associate Professor of Statistics, Faculty of Mathematics and Computer, Shahid Bahonar University of Kerman

Received: 2019/11/26

Accepted: 2020/04/14

Abstract

Gathering and preserving dialects is essential; however, unfortunately, with carelessness and negligence, we are witnessing the destruction of dialects in many parts of Iran. The present sociolinguistic research examined the degree of "familiarity" and "usage" of Kermani dialect words in two different age groups of native speakers including students of 18 and adults of 40-50 years old. The study was a descriptive-analytical and self-assessment questionnaire-based research. The questionnaire data were 50 words in the Kermani dialect. The effect of variables such as age, gender and parents' level of education on the degree of "familiarity" and "usage" of Kermani words were measured. The results showed that there was a significant difference between the two groups in the familiarity and usage of native words. On the other hand, gender did not have a significant effect on the familiarity of words by 18 years old students, whereas its effect was significant on the usage of words. In the other group, the effect of gender was not statistically significant on the familiarity and usage of words. Parents' level of education had significant effect on the familiarity of words; however, only mothers' level of education had significant effect on the usage of words by the youth.

Keywords: Sociolinguistics, Kermani dialect, Gender, Age, Degree of familiarity, Degree of usage.

چکیده

گردآوری و حفظ گویش‌ها امری ضروری است که متأسفانه با بی‌توجهی و سهل‌انگاری، شاهد نابودی گویش‌ها در مناطق زیادی از ایران هستیم. پژوهش حاضر مطالعه‌ای در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی است که در آن میزان «آشنایی» و «کاربرد» واژگان گویش کرمانی در دو گروه سنی و جنسیتی از گویشوران بومی شامل دانش‌آموزان ۱۸ ساله و افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله بررسی شده است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و پرسشنامه‌ای است که با روش خوداظهاری پر شده‌اند. داده‌های پرسشنامه، ۵۰ واژه از کلمات موجود در گویش کرمانی هستند. در این تحقیق تأثیر مؤلفه‌هایی همچون سن، جنسیت و میزان تحصیلات والدین در میزان «آشنایی» و «کاربرد» واژگان گویش کرمانی بررسی شده‌اند. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها مشاهده شد که تفاوت معنی‌داری در میزان «آشنایی» و «کاربرد» واژگان بین دانش‌آموزان ۱۸ ساله و افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله وجود دارد؛ از سوی دیگر، جنسیت بر میزان «آشنایی» با واژگان در دانش‌آموزان ۱۸ ساله تأثیر نداشت؛ اما بر «کاربرد» واژگان در بین آنها اثر معنادار داشت. در افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله جنسیت بر «آشنایی» و «کاربرد» واژگان اثر نداشت. رابطه بین تحصیلات والدین و «آشنایی» با واژگان معنادار بود؛ اما تنها میزان تحصیلات مادران بر «کاربرد» واژگان گویشی توسط جوانان تأثیر معنادار داشت.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی اجتماعی، گویش کرمانی، جنسیت، سن، میزان آشنایی، میزان کاربرد.

*Corresponding Author: Rahimeh Roohparvar

Email: roohparvar@uk.ac.ir

* نویسنده مسئول: رحیمه روح‌پرور

مقدمه

مختلف اجتماعی گردآوری و به تنوعات زبانی هر گروه توجه شد؛ البته معیار طبقه‌بندی افراد، شخصی بود و جمع‌آوری نمونه‌ها به صورت تصادفی صورت گرفت (همان). به‌طور سنتی تحقیقات گویشی متمرکز بر گویش‌های مناطق روستایی بوده‌اند؛ اما به تدریج در بسیاری از کشورها به ویژگی‌های گفتار افراد ساکن در شهرها نیز توجه شد. به تدریج این روحیه که مطالعه گویش‌های شهری نه تنها جالب بلکه ضروری است تقویت شد. البته در ابتدا بسیاری از مطالعات گویشی شهری به سبک گویش‌شناسی سنتی انجام می‌شدند؛ به این صورت که از جنبه‌های اجتماعی غفلت می‌کردند و داده‌ها را از هر گویشور در دسترسی جمع‌آوری می‌کردند.

یکی از عوامل مهمی که در ایجاد تنوعات زبانی در جامعه نقش دارد، سن گویندگان زبان است که اگرچه در اساس جنبه زیست‌شناختی دارد، در بررسی‌های جامعه‌شناختی زبان یک عامل اجتماعی به حساب می‌آید (مدرسی، ۱۳۹۱). برخلاف جنسیت، قومیت و جایگاه اجتماعی، در بیشتر موارد سن تنها به‌عنوان یک عامل بیولوژیکی در نظر گرفته شده است که براساس آن می‌توان سخنگویان را طبقه‌بندی کرد؛ اما درحقیقت، همانند جنسیت و قومیت، سن یک جنبه اساسی از هویت شخصی و اجتماعی ما است. در خیلی از جوامع، سن ما بر آنچه که باید و یا نباید انجام دهیم تأثیرگذار است. سن ما چیزی بیش از یک عدد است. سن، موقعیت، نوع رفتار و مسئولیت‌های ما را در زندگی مشخص می‌کند؛ بر اینکه چگونه دیگران با ما رفتار کنند و ما را بپذیرند و اینکه ما چگونه با دیگران رفتار کنیم اثر می‌گذارد. ابزار اصلی به‌کاررفته در همه این موقعیت‌ها، زبان است. می‌توان بر مبنای مشخصه‌های آوایی/واجی، ساخت‌های دستوری و عناصر واژگانی به‌کاررفته در گفتار، سن سخنگویان زبان را تخمین زد. در سطح واژگان، ممکن است هر گروه سنی از اصطلاحات خاصی استفاده کنند که در گروه‌های سنی دیگر یا به کار نروند و یا کمتر استفاده شوند. بررسی‌های مرتبط با سن در مطالعات جامعه‌شناختی زبان بیش از همه با تغییرات و تنوعات زبانی مرتبط بوده‌اند؛ به‌طور کلی، دوران زندگی افراد به چهار بخش قابل تقسیم است: کودکی، نوجوانی، بزرگسالی و پیری که هر کدام مشخصه‌های خاص خود را دارند. هنگامی که گفتار سخنگویان جوان‌تر با افراد مسن‌تر مقایسه می‌شود، تفاوت‌های مرتبط با سن می‌تواند

گویش‌ها و زبان‌های مختلف که روزگاری مبنای برقراری ارتباط بین انسان‌ها در مناطق مختلف بوده‌اند، بخشی از تاریخ و فرهنگ یک سرزمین را نیز شکل می‌دهند. مطالعه جنبه‌های مختلف گویش‌های درخطر، به حفظ ریشه‌ها و اندیشه‌های ملی و قومی یک جامعه کمک می‌کند. یکی از پدیده‌های معمول در گویش‌شناسی، فرآیند مرگ زبان‌ها و گویش‌هاست؛ در واقع یکی از دلایل اصلی و انگیزه‌های مهم برای مطالعه گویش‌های محلی آن است که بسیاری از زبان‌های محلی و غیرمعیار، در حال زوال و خاموشی‌اند و لازم است به ثبت و توصیف آنها پرداخت (کریستال، ۲۰۰۰). فرآیند زوال گویش‌های محلی در چند دهه گذشته به‌عنوان تهدیدی جدی مورد توجه زبان‌شناسان، گویش‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار داشته است. اینان معتقدند با مرگ زبان‌ها و گویش‌های محلی نه تنها امکان توصیف و ثبت آنها از بین می‌رود بلکه بخش مهمی از هویت فرهنگی گروه‌های قومی-زبانی نیز از دست می‌رود (مدرسی، ۱۳۸۴). با این همه، شک نیست که بررسی گویش‌ها کار هر کسی نیست و تخصص، علاقه و پشتکار محققان را نیز می‌طلبد که بیش از پیش و با یک عزم همگانی در این امر گام بردارند. مطالعه علمی و گردآوری گویش‌ها، می‌تواند مواد علمی ارزشمندی را در اختیار ایران‌شناسان قرار دهد تا با استفاده از آن بتوانند واژگان زبان فارسی را غنی‌تر سازند.

به عقیده چمبرز و ترادگیل (۱۹۹۸: ۴۵) همزمان با تأثیر مستقیم زبان‌شناسی بر گویش‌شناسی، علوم اجتماعی نیز به‌طور غیرمستقیم بر فعالیت‌های گویشی تأثیر دارند. همان‌گونه که تنوعات منطقه‌ای موجب تنوع در زبان می‌شوند، تفاوت‌های اجتماعی نیز بر این حوزه تأثیرگذارند. تمام گویش‌ها تحت تأثیر هر دو این عوامل قرار دارند؛ به این معنا که تمام گویشوران دارای پیش‌زمینه اجتماعی و منطقه‌ای/جغرافیایی خاصی هستند. آنها نه تنها خود را متعلق به منطقه خاصی می‌دانند بلکه به طبقه اجتماعی، سنی و قومیتی خاصی نیز تعلق خاطر دارند. یکی از اولین مطالعات صورت گرفته که به عوامل اجتماعی توجه کرده اطلس زبان‌شناسی ایالات متحده آمریکا و کانادا در دهه ۱۹۳۰ بوده است که در آن داده‌ها از افراد با تفاوت‌های

که واقعاً می‌گویند یا می‌نویسند) می‌نامد تمایز قائل شد (ساندرلند^۶، ۲۰۰۹: ۵۳۶). زمانی که در مورد *langue* صحبت می‌شود، می‌توان متوجه شد زبانی مثل انگلیسی تغییر می‌کند. زمانی که از دید *parole* بررسی می‌شود، منظور این است که به‌عنوان مثال افراد چگونه کلمات را به کار می‌برند و اینکه آیا واقعاً زنان و مردان متفاوت از یکدیگر صحبت می‌کنند. در تحقیقات جامعه‌شناختی زبان که قبل از دهه ۱۹۷۰ انجام می‌شد مفهوم مرد و *people* یکی بود و به زنان توجهی نمی‌شد. این رویکرد با انتشار کتاب «زبان و جایگاه زن» (۱۹۷۵) توسط رابین لیکاف^۷ در دانشگاه کالیفرنیا تغییر کرد (مک‌کبه^۸، ۲۰۱۱: ۲۸۵) خانم لیکاف ضمن معرفی اصطلاح زبان زنانه برای نخستین بار، تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد زبان را بررسی کرده و نتیجه گرفت که این تفاوت‌ها به‌طور مستقیم با قدرت اجتماعی سخنگویان مرد و کم‌قدرتی نسبی سخنگویان زن مرتبطند (همان). انتشار این کتاب نقطه عطفی در جامعه‌شناسی زبان بود و اگرچه امروزه تاریخ گذشته محسوب می‌شود اما تأثیر زیادی بر تحقیقات بعدی داشته است. در واقع، افراد، مؤنث یا مذکر متولد می‌شوند؛ اما تأثیرات فرهنگی و اجتماعی محیط افراد مشخص می‌کنند که شخص چگونه صحبت کند. در بعضی جوامع تفاوت‌های عمده و قابل ملاحظه‌ای نه تنها در سطح واژگان بلکه در سطح ساختاری نیز در رفتار زبانی زنان و مردان وجود دارد، مثلاً در زبان کوزاتی^۹ زنان و مردان از صورت‌های صرفی متفاوتی استفاده می‌کنند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۰۳)؛ از سوی دیگر، در بعضی جوامع تفاوت‌های زبانی زنان و مردان اندک و محدود به واژگان است؛ به طوری که کاربرد اصلاحات وابسته به یک جنس (مانند چاکرم) از سوی جنس مخالف غیرعادی محسوب می‌شود (همان). گاهی نیز تفاوت رفتار زبانی زنان و مردان بیشتر جنبه نسبی و کمی دارد و در نتیجه چندان آشکار و شناخته شده نیستند؛ مانند پژوهش ولفرام که بر مبنای آن مشخص شد میزان نسبی کاربرد آوای /ɪ/ بعد از واکه در گفتار زنان و مردان سیاهپوست شهر دیترویت آمریکا در

نشان‌دهنده یکی از این دو مورد باشد (بیکر و هنگولد^۱، ۲۰۱۲: ۱) تغییرات زبانی در حال پیشرفت^۲ (تغییراتی که در جامعه زبانی با گذر زمان ایجاد می‌شوند) یا ۲) تفاوت‌های سنی^۳ (تغییرات ایجاد شده در گفتار یک سخنگو با افزایش سن). اینکه تفاوت‌های زبان‌شناختی مرتبط با سن نشان‌دهنده کدام‌یک از موارد فوق است همیشه ساده نیست؛ به عنوان مثال، لباو^۴ (۱۹۷۳: ۲۲) با بررسی گفتار پنج گروه سنی از گویشوران جزیره مارتازوین یارد سعی کرد با استفاده از مورد اول، بعضی از گرایش‌های زبانی را در نسل‌های مختلف و تغییرات زبانی را در کوتاه مدت مشخص سازد. وی به این نتیجه رسید که ویژگی مرکزگرای عنصر آغازی در واکه‌های مرکب /aw/ و /ay/ در افراد با سنین مختلف متفاوت است و اینکه در طی حدود ۳۰ سال، میزان تظاهر این ویژگی در گفتار اهالی جزیره بیشتر شده است. در مجموع، متغیرهای زبانی با سن به‌عنوان یک عامل اجتماعی هم‌بسته هستند و باعث ایجاد تنوعات و گوناگونی‌های زبانی در یک جامعه می‌شوند و این تفاوت در رفتار زبانی گروه‌های سنی مختلف و نسل‌های گوناگون در بلندمدت منجر به پیدایش تغییرات زبانی تاریخی می‌شود. افراد در سنین مختلف همانند الگوهای رفتاری، الگوهای زبانی متفاوتی نیز دارند. اگرچه در روند زبان‌آموزی، کودکان به رفتار زبانی نسل قبل از خود به عنوان الگو توجه دارند، اما هر نسل گرایش‌ها و نوآوری‌های خاص خود را نیز دارد. جامعه‌شناسان زبان با استناد به پژوهش‌های تجربی معتقدند که این تغییرات حتی در کوتاه مدت و در فاصله دو یا سه نسل نیز قابل مشاهده‌اند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۲۷).

یک عامل دیگر که در حوزه جامعه‌شناسی زبان، مورد توجه است جنسیت است و نه جنس که یک عامل بیولوژیکی و فیزیولوژیکی است و به تفاوت‌های آناتومیکی بین زنان و مردان اشاره دارد (سمپسون و میر^۵، ۲۰۱۰: ۱۵). برای صحبت در مورد جنسیت و زبان، لازم است به زبان در هر دو مفهوم نظری‌اش توجه کرد و بین آنچه که فردیناند دوسوسور *langue* (زبان به عنوان یک کد، واژگان در دسترس ما) و *parole* (زبان به کار رفته، آنچه

6. A. Sunderland
7. Robin Lakoff
8. McCabe, A.

۹. کوزاتی یکی از زبان‌های سرخپوستان آمریکای شمالی است که به خانواده زبانی ماسگوکی تعلق دارد و در ایالت لوئیزیانا گفتگو می‌شود. (مدرسی، ۱۳۹۱ ص ۲۰۲)

1. Baker, A. E. & Hengeveld, K.
2. language change in progress
3. age grading
4. W. Labov
5. P. Simpson & A. Mayr

در پژوهشی دیگر پرمون، ازکیا و کربلائی صادق (۱۳۹۱) به بررسی تغییرات واژگانی در جامعه زبانی شهر گرگان بر اساس متغیرهای سن، جنس و تحصیلات پرداخته‌اند و هم‌بستگی میان تغییرات واژگانی را بر اساس متغیرهای اجتماعی مذکور، با بهره‌گیری از روش میدانی و انتخاب جمعیت نمونه ارزیابی کرده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که متغیر اجتماعی سن مهم‌ترین عامل در تغییر واژه محسوب می‌شود و متغیرهای جنس و تحصیلات، نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کنند.

صناعی مقدم، یارمحمدی و صدیقی (۱۳۸۶) نقش اجتماعی دو گونه زبانی فارسی و لری و تأثیر سن افراد بر کاربرد این گونه‌های زبانی را در یاسوج مشخص کرده‌اند؛ به این منظور آنها ۳۱۱ آزمودنی از نواحی مختلف شهر را به صورت تصادفی انتخاب و به شش گروه سنی تقسیم کردند. با استفاده از پرسشنامه پاراشر از آزمودنی‌ها خواسته شد که گونه زبانی مورد استفاده خویش را در شش حوزه اجتماعی مشخص کنند. نتایج نشان داد که دو گروه سنی زیر ۱۰ سال و بالای ۶۵ سال در استفاده از دو گونه زبانی اختلاف معنی‌دار داشتند.

در تحقیق حاضر، تلاش شده است میزان «آشنایی» و «کاربرد» واژگان گویش کرمانی در بین دو نسل و جنسیت از افراد جامعه کرمان بررسی شود تا مشخص گردد نسل‌های مختلف و افراد با جنسیت‌های مختلف تا چه میزان با واژگان گویش کرمانی آشنا هستند و تا چه اندازه آنها را در گفتار روزمره خود به کار می‌برند؛ به این ترتیب مشخص می‌شود نسل گذشته تا چه اندازه در انتقال واژگان و مفاهیم گویش کرمانی به نسل جوان موفق بوده است. همچنین، مشخص شود چه تفاوتی بین افراد مذکر و مونث سنین مختلف در آشنایی و به کار بردن واژگان گویش کرمانی وجود دارد. به‌عنوان یک موضوع فرعی، سعی می‌شود به این سؤال پاسخ داده شود که آیا بین میزان تحصیلات والدین و میزان آشنایی دانش‌آموزان کرمانی با واژگان گویش کرمانی و استفاده آنها از این واژگان ارتباط وجود دارد یا خیر. از نتایج این تحقیق می‌توان برای چاره‌اندیشی به جهت بهبود اوضاع و اطلاع‌رسانی به دستگاه‌های مسئول مانند رسانه‌های جمعی استفاده کرد؛ علاوه بر این، زمینه تحقیق برای پژوهش‌های بعدی در سایر جوامع گویشی و مقایسه وضعیت فوق در جوامع مختلف فراهم می‌شود.

طبقات اجتماعی مختلف متفاوت است (همان: ۲۰۴). کورت (۱۹۹۳) چهار الگوی زیر را برای زبان زنانه براساس تحقیقات انجام شده توسط تراگیل (۱۹۷۲)، مک‌کاولی (۱۹۷۷، ۱۹۷۸)، نیوبروک (۱۹۸۶)، رومینه (۱۹۷۸) و لباو (۱۹۷۲) در شهر نیویورک، ارائه داده است (ملمکجر^۱، ۲۰۰۴: ۳۰۲: ۱) در تمام سبک‌ها، زنان کمتر از مردان از صورت‌های زشت استفاده می‌کنند. ۲) در بافت‌های رسمی، زنان نسبت به مردان به استفاده از الگوهای پرستیژدار حساس‌ترند. ۳) زنان طبقه اجتماعی پایین و متوسط تغییرات سبکی عمده‌تری دارند. در سبک‌های کمتر رسمی، بیشتر از صورتهای ناپسند استفاده می‌کنند؛ اما در سبک‌های رسمی تر گفتارشان را تصحیح می‌کنند تا به طبقه بالاترشان شبیه شوند. ۴) استفاده از صورت‌های غیراستاندارد نه تنها با سخنگویان طبقه پایین بلکه با مردان نیز مرتبط است. این‌گونه شواهد نشان می‌دهند که زنان به معیارهای زبان‌شناختی حساس‌ترند تا مردان. مک کبه (۲۰۱۱: ۲۸۵) نیز نمونه‌هایی از مواردی که زبان زنان متفاوت از زبان مردان است، ارائه داده است: زنان از حدنما (مانند من حدس می‌زنم)، سوالات کوتاه (مانند مگه نه)، معذرت‌خواهی و صفات تهی (cute, wonderful) بیشتر استفاده می‌کنند. این موارد نشان می‌دهند که زبان زنانه فاقد قدرت و در پی تأیید است.

عمده پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در حوزه گویش‌شناسی که به تأثیر سن و جنسیت در یک منطقه اجتماعی توجه داشته‌اند به مقایسه کاربرد دو زبان یا گویش در بین افراد مذکر و مؤنث در دو یا چند نسل متفاوت پرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال، محمدی (۱۳۸۹) به تفاوت‌های زبانی موجود بین زبان معیار و زبان نایینی پرداخته و سعی کرده تأثیر دو متغیر اجتماعی سن و جنس را در میزان کاربرد دو زبان فارسی و نایینی در این شهرستان بررسی کند. جمعیت نمونه این تحقیق را ۳۰ زن و ۳۰ مرد دوزبانه نایینی - فارسی تشکیل دادند. اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه نشان داد که میان سن و جنس آزمودنی‌ها و کاربرد زبان در شهرستان نایین رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ به‌طوری که زبان نایینی بیشتر توسط گروه سنی بالای ۴۰ سال به کار می‌رود. همچنین بر اساس داده‌های به‌دست آمده، کاربرد نایینی در گفتار مردها بیشتر از زن‌ها است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر که در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی و زیرشاخه گویش‌شناسی قرار دارد، از نوع تحلیلی-توصیفی و پرسشنامه‌ای می‌باشد. به این منظور پرسشنامه‌هایی تهیه و طبق محتویات آنها، داده‌ها جمع‌آوری شد. حدود ۲۰۰ واژه از واژگان موجود در گویش کرمانی از کتاب فرهنگ تطبیقی لغات و اصطلاحات کرمان شمالی (کردی و حبیبی، ۱۳۸۴) استخراج شد که پس از تجزیه و تحلیل و همچنین نظرخواهی از برخی گویشوران بومی و متخصصین گویش کرمان، تعداد ۵۰ واژه انتخاب انتخاب شدند. پنجاه واژه انتخاب شده مواردی بودند که بیشترین عمومیت را داشتند و بنا به نظر متخصصین در جامعه کاربرد داشتند و محدود به طبقه اجتماعی خاص یا حوزه و تخصص خاصی نبودند. اطلاعات مورد نیاز در دو بخش «میزان آشنایی» و «میزان کاربرد» واژگان قرار داده شدند (پیوست ۱). از آنجا که گردآوری داده‌ها از گفتار روزمره افراد نبوده است، بلکه افراد با پرسشنامه، ارزیابی می‌کرده‌اند که تا چه اندازه از واژگان گویش کرمانی استفاده می‌کنند و آیا با معنی واژه‌ها آشنا هستند یا نه، شیوه انجام مطالعه به صورت خوداظهاری^۱ بوده است؛ همچنین پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که بین پرسشنامه‌هایی که با خوداظهاری پر می‌شوند و پایایی، همبستگی بالایی وجود دارد (میلروی و گوردن^۲، ۲۰۰۳؛ میستار^۳، ۲۰۱۱).

جامعه آماری این تحقیق را دانش‌آموزان ۱۸ ساله شهر کرمان که در مقطع پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل بودند و همچنین افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله شهر کرمان تشکیل دادند. حجم نمونه کل دو گروه با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شد که ۲۰۰ نفر آنها به‌طور مساوی از دختران و پسران دانش‌آموز و ۲۰۰ نفر نیز از افراد ۴۰ تا ۵۰ سال انتخاب شدند. دویست نفر دانش‌آموز مقطع پیش‌دانشگاهی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از دو ناحیه ۱ و ۲ آموزش و پرورش شهرستان کرمان انتخاب شدند که شامل ۱۰۰ دانش‌آموز پسر و ۱۰۰ دانش‌آموز دختر بودند. این جوانان، به دلیل اتمام دوره تحصیلات و ورود به مرحله جدیدی از زندگی خود، چه دانشگاه و چه بازار کار و یا تشکیل خانواده انتخاب شدند. افراد بین ۴۰ تا ۵۰ ساله در

این تحقیق از مراجعه‌کنندگان به شعب بانک ملی در شهر کرمان بودند. براین اساس پرسشنامه‌ای که شامل واژگان گویش کرمانی بود در اختیار دو گروه مورد مطالعه قرار گرفته و در دو قسمت، اطلاعات جمع‌آوری شد: میزان آشنایی افراد با این کلمات و اینکه آیا آنها از این کلمات در گفتار روزمره استفاده می‌کنند یا خیر. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و با توجه به مؤلفه‌هایی که در آنها مورد توجه قرار گرفته‌اند، داده‌ها تحلیل شدند.

برای اینکه مشخص شود آیا پرسشنامه حاضر از روایی مناسبی برخوردار است یا خیر، برای ۵۰ واژه منتخب، پرسشنامه‌ای شامل پنج گزینه از بسیار مناسب تا بسیار نامناسب تهیه شد. پرسشنامه فوق به پنج نفر از متخصصین داده شد. پس از محاسبات آماری، روایی ۰/۸۶ به دست آمد. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه حاضر، دو هفته بعد از جمع‌آوری داده‌ها، به ۱۰ نفر در هر گروه پرسشنامه‌ها داده شد و از آنها خواسته شد پرسشنامه‌ها را پر کنند. با استفاده از آزمون کرونباخ، ضریب پایایی ۰/۸۳ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مناسب کار است.

از آنجا که پرسشنامه‌ای که در اختیار گروه نمونه قرار گرفت شامل ۵۰ مورد بوده است، نمره نهایی پاسخ‌های افراد ۱۸ ساله عضو نمونه پژوهش، پس از تصحیح (پاسخ صحیح نمره ۱ و گزینه‌های دیگر نمره ۰)، متغیری بود که مقادیری بین ۰ تا ۵۰ را می‌پذیرفت. برای توصیف بهتر نمره‌های افراد، نمره‌های آنان به پنج رده طبقه‌بندی شدند؛ به‌طوری‌که نمره بین ۰ تا ۱۰ طبقه آشنایی خیلی کم، نمره‌های بین ۱۱ تا ۲۰ طبقه آشنایی کم، نمره ۲۱ تا ۳۰ آشنایی در حد متوسط، نمره‌های بین ۳۱ تا ۴۰ آشنایی زیاد و نمره‌های بین ۴۱ تا ۵۰ آشنایی خیلی زیاد نامیده شدند.

قبل از تحلیل داده‌ها، آزمون کلموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو ویلک، به‌منظور تعیین نرمال بودن داده‌ها اجرا شده و نتایج نشان داد مقدار معنی‌داری آزمون نرمال بودن، کمتر از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ است؛ یعنی هم نمره‌های میزان استفاده و هم نمره‌های میزان آشنایی از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. بنابراین برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از آزمون‌های من-ویتنی، خی-دو و همبستگی استفاده شد. آزمون من-ویتنی آزمونی است که برای توزیع (میانگین) یک متغیر را در دو گروه مستقل بررسی می‌کند مانند میزان آشنایی دانش‌آموزان ۱۸ ساله با واژگان موجود در گویش کرمانی در مقایسه با افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله

1. self-assessment
2. M. Milroy & M. Gordon
3. J. Mistar

نتایج آمار توصیفی همچنین نشان داد که میزان «استفاده» از واژگان موجود در گویش کرمانی در جوانان ۱۸ ساله بسیار کم است (جدول ۲) و اینکه در دخترها و پسرها یکسان نیست. با استناد به آماره آزمون من-ویتنی مشخص شد که میزان «استفاده» پسرها از واژگان گویش کرمانی نسبت به دخترها به طور معناداری بیشتر است ($p=0/001$) (جدول ۳).

جدول ۳: محاسبه میانگین رتبه‌ها، آماره آزمون من-ویتنی و معنی‌داری میزان آشنایی با کلمات گویش کرمانی و استفاده از آنها

مجموع رتبه ها	میانگین رتبه	فراوانی	جنسیت	
۱۰۶۰۸	۱۰۶/۰۸	۱۰۰	دختر	میزان آشنایی
۹۴۹۲	۹۴/۹۲	۱۰۰	پسر	
		۲۰۰	کل	
				$U = 4442/000$
	$Z = -1/364$			$P = 0/172$
۹۹۷۶/۵۰	۹۹/۷۷	۱۰۰	زنان	میزان آشنایی
۱۰۱۲۳/۵۰	۱۰۱/۲۴	۱۰۰	مردان	
		۲۰۰	کل	
				$U = 4926/500$
	$Z = -1/181$			$P = 0/857$
۸۶۷۰/۵۰	۸۶/۷۱	۱۰۰	دختر	میزان کاربرد
۱۱۴۲۹/۵۰	۱۱۴/۳۰	۱۰۰	پسر	
		۲۰۰	کل	
				$U = 3620/500$
	$Z = -3/374$			$P = 0/001$
۱۰۳۵۷/۵۰	۱۰۳/۵۸	۱۰۰	زنان	میزان کاربرد
۹۷۴۲/۵۰	۹۷/۴۳	۱۰۰	مردان	
		۲۰۰	کل	
				$U = 4692/500$
	$Z = -0/752$			$P = 0/452$

در ارتباط با افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله نتایج آمار توصیفی نشان داد که رده آشنایی خیلی زیاد، بیشترین فراوانی را دارا بوده و میزان "آشنایی" ۹۹٪ افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله گروه نمونه با واژگان گویش کرمانی، در حد متوسط یا بیشتر می‌باشد (جدول ۱). نتایج آزمون من-ویتنی میزان "آشنایی" افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله با واژگان گویش کرمانی و همچنین "استفاده" آنها از واژگان فوق نشان داد که این دو مقدار در زنان و مردان این سن یکسان است و تفاوت معنی‌داری بین آنها وجود ندارد ($p=0/857$) و ($p=0/452$) (جدول ۳).

آزمون همبستگی نشان داد میزان «آشنایی» دانش‌آموزان با کلمات موجود در گویش کرمانی و میزان

کرمانی. آزمون‌های خی-دو و همبستگی، نوعی رابطه مستقیم را بین دو متغیر نشان می‌دهند مانند رابطه میزان تحصیلات والدین و میزان استفاده از واژگان گویش کرمانی در دانش‌آموزان ۱۸ ساله کرمانی.

تحلیل داده‌ها

نتایج آماری نشان داد که میزان «آشنایی» دخترها و پسرهای دانش‌آموز ۱۸ ساله با واژگان گویش کرمانی تقریباً ۲۵٪ است (جدول ۱)؛ اما آزمون آماری من-ویتنی نشان داد که این تفاوت میزان "آشنایی" بین دخترها و پسرها معنادار نیست ($p=0/172$) (جدول ۳).

جدول ۱. فراوانی رتبه‌های نمره‌های میزان آشنایی با واژگان گویش کرمانی در دو گروه سنی از گویشوران ($n=400$)

رتبه	۱۸ ساله‌ها		۴۰ تا ۵۰ ساله	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی کم (۱)	۱۲	۶٪	۰	۰٪
کم (۲)	۵۹	۲۹/۵٪	۲	۱٪
در حد متوسط (۳)	۷۱	۳۵/۵٪	۵	۲/۵٪
زیاد (۴)	۵۱	۲۵/۵٪	۳۷	۱۸/۵٪
خیلی زیاد (۵)	۷	۳/۵٪	۱۵۶	۷۸٪
کل	۲۰۰	۱۰۰٪	۲۰۰	۱۰۰٪

جدول ۲. فراوانی رتبه‌های نمره‌های میزان کاربرد واژگان گویش کرمانی در دو گروه سنی از گویشوران ($n=400$)

رتبه	۱۸ ساله‌ها		۴۰ تا ۵۰ ساله	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خیلی کم (۱)	۱۱۵	۵۷/۵٪	۴۲	۲۱٪
کم (۲)	۵۸	۲۹٪	۲۶	۱۳٪
در حد متوسط (۳)	۲۱	۱۰/۵٪	۵۳	۲۶/۵٪
زیاد (۴)	۳	۱/۵٪	۴۴	۲۲٪
خیلی زیاد (۵)	۳	۱/۵٪	۳۵	۱۷/۵٪
کل	۲۰۰	۱۰۰٪	۲۰۰	۱۰۰٪

جدول ۵. محاسبه میزان همبستگی و معنی‌داری میزان استفاده دانش‌آموزان از واژگان موجود در گویش کرمانی در برابر میزان تحصیلات والدین ایشان (n=۲۰۰)

میزان استفاده دانش‌آموزان از واژگان موجود در گویش کرمانی			
همبستگی اسپیرمن		همبستگی کندال	
معنی داری	ضریب همبستگی	معنی داری	ضریب همبستگی
۰/۰۱۵	-۰/۱۷۱	۰/۰۱۵	-۰/۱۳۷
میزان تحصیلات مادر		میزان تحصیلات پدر	
۰/۱۹۰	-۰/۰۹۳	۰/۱۸۳	-۰/۰۷۴

«تحصیلات پدر» از هم مستقل نیستند و رابطه معنی‌داری بین آنها وجود دارد (p=۰/۰۰۸) و در واقع افزایش تحصیلات پدران با کاهش میزان آشنایی دانش‌آموزان با کلمات موجود در گویش کرمانی همراه است (جدول ۴). در ارتباط با میزان «آشنایی» دانش‌آموزان ۱۸ ساله با واژگان گویش کرمانی و میزان «تحصیلات مادر» مشاهده شد که بین این دو متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد (p=۰/۰۰۲)؛ بدین صورت که افزایش تحصیلات مادر با کاهش میزان آشنایی دانش‌آموزان همراه است (جدول ۴). به‌طور کلی، افزایش تحصیلات والدین (هم پدر و هم مادر)، با کاهش میزان آشنایی دانش‌آموزان از واژگان گویش کرمانی همراه است؛ بدین صورت که میزان آشنایی تنها ۱۵٪ از دانش‌آموزانی که والدین آنها تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر داشته‌اند، در حد متوسط یا بیشتر بوده است.

جدول ۴. محاسبه میزان همبستگی و معنی‌داری میزان آشنایی دانش‌آموزان با واژگان موجود در گویش کرمانی در برابر میزان تحصیلات والدین ایشان (n=۲۰۰)

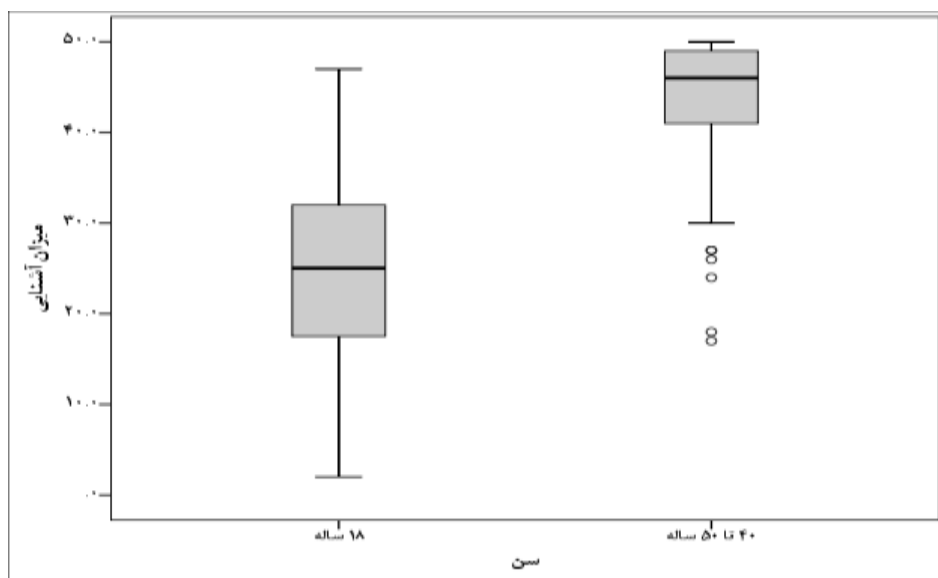
مقایسه میزان «آشنایی» با واژگان گویش کرمانی در دو گروه جوانان ۱۸ ساله و افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله نشان داد که این میزان در افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله نسبت به دانش‌آموزان ۱۸ ساله بسیار بیشتر است (p=۰/۰۰۰). همچنین میزان «استفاده» از واژگان موجود در گویش کرمانی در دانش‌آموزان ۱۸ ساله و افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله یکسان نیست و به‌طور معنی‌داری در جوانان کمتر است (p=۰/۰۰۰) (جدول ۶، نمودار ۲).

میزان آشنایی دانش‌آموزان با واژگان موجود در گویش کرمانی			
همبستگی اسپیرمن		همبستگی کندال	
معنی داری	ضریب همبستگی	معنی داری	ضریب همبستگی
۰/۰۰۲	-۰/۲۱۳	۰/۰۰۲	-۰/۱۷۰
میزان تحصیلات مادر		میزان تحصیلات پدر	
۰/۰۰۱	-۰/۲۴۰	۰/۰۰۱	-۰/۱۸۶

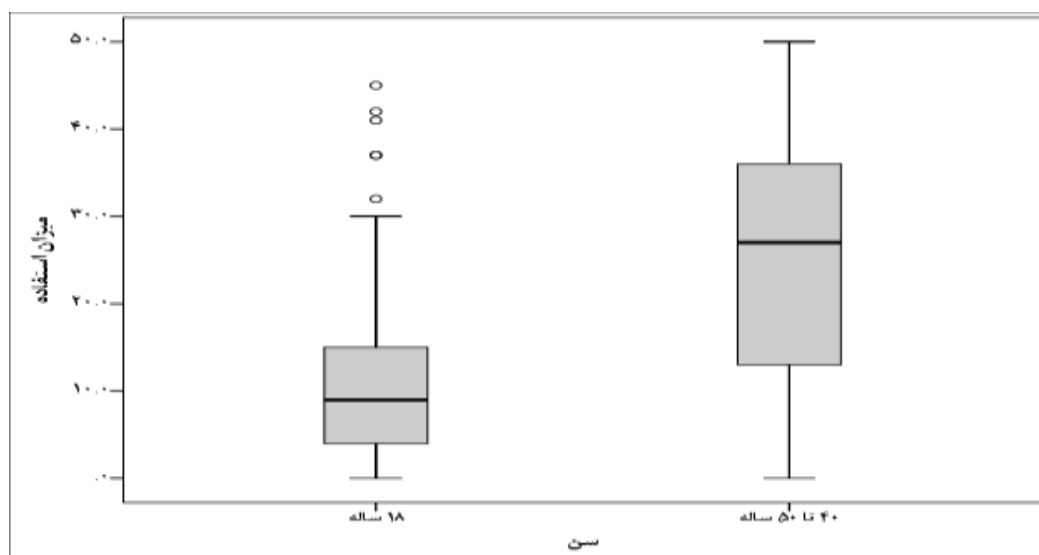
جدول ۶. محاسبه میانگین رتبه‌ها، آماره آزمون من-ویتنی و معنی‌داری میزان آشنایی با واژگان گویش کرمانی و استفاده از آنها در جوانان ۱۸ ساله و افراد بین ۴۰ تا ۵۰ ساله (n=۴۰۰)

مجموع رتبه‌ها	میانگین رتبه	فراوانی	جنسیت	
۲۱۷۹۷/۵۰	۱۰۸/۹۹	۲۰۰	۱۸ ساله	میزان آشنایی
۵۸۴۰۲/۵۰	۲۹۲/۰۱	۲۰۰	۴۰ تا ۵۰ ساله	
		۴۰۰	کل	
P = ۰/۰۰۰	Z = -۱۵/۸۴۵			U = ۱۶۹۷/۵۰۰
۲۸۵۵۶/۵۰	۱۴۲/۷۸	۲۰۰	۱۸ ساله	میزان استفاده
۵۱۶۴۳/۵۰	۲۵۸/۲۲	۲۰۰	۴۰ تا ۵۰ ساله	
		۴۰۰	کل	
P = ۰/۰۰۰	Z = -۱۵/۸۴۵			U = ۱۶۹۷/۵۰۰

در ارتباط با میزان «استفاده» دانش‌آموزان از واژگان گویش کرمانی و میزان «تحصیلات پدر» مشخص شد که بین این دو عامل رابطه معنی‌داری وجود ندارد (p=۰/۱۸)، درحالی‌که بین میزان «استفاده» دانش‌آموزان از واژگان موجود در گویش کرمانی و میزان «تحصیلات مادران» رابطه معنی‌داری وجود دارد (p=۰/۰۱۵)؛ بدین صورت که با افزایش میزان تحصیلات مادران، میزان استفاده از واژگان گویش کرمانی در دانش‌آموزان ۱۸ ساله کاهش می‌یابد (جدول ۵).



نمودار ۱. نمودار جعبه‌ای مقایسه توزیع میزان آشنایی با واژگان موجود در گویش کرمانی در جوانان ۱۸ ساله و افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله (n=۴۰۰)



نمودار ۲. نمودار جعبه‌ای مقایسه توزیع میزان استفاده از واژگان موجود در گویش کرمانی در جوانان ۱۸ ساله و افراد ۴۰ تا ۵۰ ساله (n=۴۰۰)

دخترها است، اما میزان «استفاده» از واژگان گویش کرمانی در دخترها و پسرها یکسان نیست و میزان استفاده پسرها به‌طور معناداری بیشتر است. شاید دلیل اینکه پسرها بیشتر از دخترها در گفتار روزمره خود از واژگان گویش کرمانی استفاده می‌کنند حفظ کلاس اجتماعی و نزدیک شدن به گونه معیار در دخترها باشد. گروهی از زبان‌شناسان اجتماعی معتقدند که دلیل اصلی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان، موقعیت و نقش‌های اجتماعی متفاوتی است که هر یک از دو گروه در جامعه دارند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۰۹). نقش‌های

بحث و نتیجه‌گیری

چنانچه نتایج آماری نشان داد میزان «آشنایی» دخترها و پسرهای دانش‌آموز ۱۸ ساله با واژگان کرمانی بسیار نگران‌کننده بود؛ به‌صورتی که بیش از ۷۰٪ آنها در حد کم یا خیلی کم از این واژگان استفاده می‌کنند و تنها حدود ۲۵٪ از آنها با واژگان کرمانی آشنایی دارند. در عین حال میزان «آشنایی» آنها تفاوت چندانی با هم ندارد و تقریباً یکسان است؛ هرچند درصد آشنایی پسرها کمی بیشتر از

محافظة کارانه تری داشته باشند. متأسفانه گاه این وضعیت جنبه افراطی به خود می‌گیرد. در پژوهش حاضر نیز مشاهده شد که از یک سو، زنان به‌ویژه دختران جوان خیلی کمتر از همسالان پسر خود از واژگان گویش کرمانی استفاده می‌کنند و از سوی دیگر با افزایش میزان تحصیلات زنان، فرزندان آنها کمتر با واژگان گویش کرمانی آشنایی داشته و از آنها استفاده می‌کرده‌اند. یکی دیگر از عوامل مؤثر در به وجود آمدن تنوعات و گوناگونی‌های زبانی، تحصیلات است (مدرسی، ۱۳۹۱: ۳۴۱). در یک جامعه زبانی، تفاوت‌های زبانی که گاهی کاملاً واضح هستند، با میزان تحصیلات افراد همبستگی دارد؛ هرچه میزان تحصیلات افراد بیشتر باشد، پیوستار سبکی یا گنجینه زبانی بیشتری در اختیار دارند (همان). بنابراین، دور از انتظار نیست که بچه‌ها در خانواده‌هایی که سطح تحصیلات پدر و مادر بالاتر است، به دلیل دسترسی به واژگان بیشتر و گسترده‌تر، تحت تأثیر قرار بگیرند و کمتر از واژگان گویش محلی استفاده کنند. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان داد که میزان تحصیلات پدر و مادر بر میزان آشنایی دانش‌آموزان با واژگان گویش کرمانی تأثیر معنادار داشت و با افزایش تحصیلات آنها، دانش‌آموزان کمتر با واژگان گویش کرمانی آشنایی داشتند. در ارتباط با میزان استفاده دانش‌آموزان از واژگان گویش کرمانی، میزان تحصیلات مادر بر میزان استفاده دانش‌آموزان از واژگان گویش کرمانی تأثیر معنادار داشت. در توجیه این وضعیت می‌توان گفت که به سبب نقش مهم‌تری که زنان در آموزش زبان به فرزندان خود دارند، این ویژگی‌ها را با سرعت و سهولت بیشتری به نسل بعد انتقال می‌دهند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۱۱). در این پژوهش نیز با افزایش سطح تحصیلات مادران، فرزندانشان کمتر از واژگان گویش کرمانی استفاده کردند.

نتایج مقایسه وضعیت جوانان ۱۸ ساله و افراد ۴۰-۵۰ ساله به این صورت بود که هم در میزان «آشنایی» با واژگان گویش کرمانی ($p=0$) و هم در میزان «استفاده» از این واژگان در گفتار روزمره تفاوت معنی‌داری بین جوانان ۱۸ ساله و افراد ۴۰-۵۰ ساله شهر کرمان وجود داشت. چنانچه بیان شد سن گویشوران نقش مهمی در ایجاد تنوعات زبانی در جامعه دارد. افراد در سنین مختلف، الگوهای زبانی متفاوتی دارند که ممکن است تنها جنبه واژگانی داشته باشند و یا آوایی و دستوری نیز باشند (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۲۰). هادسن (۱۹۸۰) معتقد است که در

اجتماعی گوناگون، الگوهای رفتاری متفاوت و انتظارات اجتماعی مختلفی به وجود می‌آورد و به همین دلیل است که انتظارات اجتماعی از زنان و مردان در زمینه رفتار اجتماعی آنها یکسان نیست. رفتار زبانی یکی از جنبه‌های رفتار اجتماعی انسان است و بنابراین تابع ملاک‌ها و اصول کلی آن است (همان: ۲۱۰). به نظر جامعه‌شناسان زبان در بیشتر جوامع از زنان نسبت به مردان، رفتار اجتماعی صحیح‌تر و مناسب‌تر انتظار می‌رود؛ بنابراین رفتار زبانی آنها نیز نه تنها با مردان متفاوت است بلکه از نظر اجتماعی بهتر نیز هست (همان). به همین دلیل مشاهده می‌شود که در جوامع، زنان از صورت‌های زبانی نزدیک‌تر به معیار استفاده می‌کنند. لباو^۱ (۱۹۷۲)، ترادگیل^۲ (۱۹۷۲) و گردون^۳ (۱۹۹۷) در پژوهش‌های جداگانه به این نتیجه رسیده‌اند که در تمام طبقات اجتماعی، زنان بیشتر از مردان از گونه‌های زبانی معیار استفاده می‌کنند. تحقیقات نشان داده که در هر طبقه اجتماعی زنان نسبت به رفتار زبانی خود حساس‌ترند و از صورت‌های زبانی که اعتبار اجتماعی پایینی دارند کمتر استفاده می‌کنند و بیشتر به صورت‌های زبانی معتبر گرایش دارند. فسولد (۱۹۸۴) دو دلیل برای تفاوت زبان زنان و مردان مطرح کرده است: ۱- عده‌ای معتقدند این تفاوت به دلیل تماس و آمیزش زبان‌های مختلف در اثر برخوردهای نظامی، فرهنگی و غیره است. ۲- گروهی نیز معتقدند تفاوت در موقعیت و نقش‌های اجتماعی دو گروه در جامعه، دلیل اصلی تفاوت‌های بین زبان زنان و مردان است؛ حتی امروزه در پیشرفته‌ترین جوامع نیز، نقش‌های اجتماعی زنان محدودتر است و آنها جایگاه اجتماعی متزلزل‌تری دارند که این وضعیت خود منجر به تصحیح زبانی افراطی در زنان می‌شود (مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۰۹-۲۰۷). به‌طور کلی زنان نسبت به رفتار زبانی خود بیش از مردان حساسیت دارند و همین حساسیت آنها را پیشرو تغییرات زبانی در جهت گسترش ویژگی‌های معیار کرده است؛ زیرا زنان با حساسیت خود نسبت به ویژگی‌های زبانی معتبر و معیار، آنها را بیشتر به کار می‌گیرند و به سبب نقش مهم‌تری که در آموزش زبان به فرزندان خود دارند، این ویژگی‌ها را با سرعت و سهولت بیشتری به نسل بعد انتقال می‌دهند؛ همچنین این حساسیت موجب شده که زنان رفتار زبانی

1. Labov, W.
2. Trudgill, P.
3. Gordon, E.

جنسیت تأثیر زیادی بر میزان استفاده از واژگان گویش کرمانی داشت. به دلیل تسلط زبان رسمی از طریق روزنامه‌ها، رادیو، تلویزیون و سایر وسایل جمعی و به سبب آشنایی و اصرار برخی گویشوران بر کاربرد زبان رسمی به جای گویش‌ها، گویش‌های منطقه‌ای^۱ و یا دست‌کم واژه‌های اصیل و کهن در حال نابودی‌اند (کیا، ۱۳۹۰). در چنین شرایطی در جوامع مختلف مشاهده می‌شود که نسل جوان بیش از پیش با فرهنگ و واژگان اصیل گویش خود فاصله گرفته است. باستانی پاریزی (۱۳۷۵) تاریخ‌دان برجسته کشور معتقد است همان‌طور که با گسترش رسانه‌های جمعی به تدریج واژگان مورد استفاده در هر گویش و به‌خصوص نحوه ادای آنها فراموش می‌شوند، اما همین ابزارها می‌توانند به خوبی در مسیر حفظ این لهجه‌ها قرار گیرند. شاید با آموزش و تلاش فردی و جمعی به‌ویژه رسانه‌های جمعی بتوان این آگاهی را به وجود آورد که برای حفظ یک گویش لازم است از واژگان آن استفاده کرد و آنها را به نسل‌های بعد نیز شناساند. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران تأثیر متغیرهای فوق را در سایر گویش‌های زبان فارسی بررسی نمایند تا دادگان جامعی از گویش‌های مختلف زبان فارسی به دست آید. همچنین می‌توان تأثیر متغیرهای دیگر مانند طبقه اجتماعی، قومیت، مذهب، تحصیلات و منطقه جغرافیایی را بر میزان آشنایی و کاربرد واژگان در گویش‌های مختلف نیز سنجید.

هر سنی گونه‌های زبانی خاصی وجود دارد و اغلب افراد مسن یک جامعه به‌گونه‌ای صحبت می‌کنند که متفاوت از نسل جوانتر است؛ تفاوت‌های مرتبط با سن ممکن است نشان‌دهنده فرایند در حال پیشرفت تغییر زبان باشد و یا اینکه صورت‌های زبانی متفاوت مرتبط با سن را نشان دهند (بیکر و هنگولد، ۲۰۱۲).

از آنجا که پژوهش حاضر در یک مقطع زمانی و به صورت عرضی انجام شده، و نه به صورت طولی که در آن میزان آشنایی با واژگان گویشی توسط یک گروه مشخص از افراد و استفاده آنها از واژگان در دو زمان متفاوت سنجیده شود، می‌توان گفت که تفاوت مشاهده شده در میزان آشنایی با واژگان گویش کرمانی و استفاده از آنها توسط دو گروه سنی از گویشوران بومی، بیشتر نشان‌دهنده تفاوت‌های سنی است تا تغییرات زبانی در حال پیشرفت.

در پژوهش حاضر مشخص شد که متغیر اجتماعی سن تأثیرگذارترین عامل بر میزان «آشنایی» و «کاربرد» واژگان گویش کرمانی است؛ به این صورت که جوانان کرمانی نسبت به افراد ۴۰-۵۰ ساله، هم با واژگان گویش کرمانی آشنایی کمتری داشتند و هم از این واژگان در گفتار روزمره خود کمتر استفاده می‌کردند. این وضعیت تهدیدی بر بقای گویش کرمانی به‌ویژه در بین دختران جوان است؛ چرا که تحلیل‌ها نشان داد در حالی که در افراد ۴۰-۵۰ ساله تفاوتی بین زنان و مردان در میزان آشنایی و کاربرد واژگان گویش کرمانی وجود نداشت، متأسفانه در جوانان ۱۸ ساله، عامل

منابع

- آرانسکی، یوسیف (باستانی پاریزی، ابراهیم). (۱۳۷۵). فرهنگ گویش کرمانی. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- پرمون، یداله؛ از کیا، ندا و کربلائی صادق، مهناز. (۱۳۹۱). بررسی تغییرات واژگانی در جامعه زبانی شهر گرگان بر اساس متغیرهای اجتماعی سن، جنسیت و تحصیلات. *زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*. شماره ۲ (پیاپی ۶) صص: ۱۴-۱.
- صناعی مقدم، زینب؛ یارمحمدی، لطف‌الله و صدیقی، فیروز (۱۳۸۶). بررسی تأثیر سن و حوزه‌های مختلف اجتماعی بر کاربرد زبان در شهر یاسوج. *مجموعه مقالات هفتمین همایش زبان‌شناسی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. صص: ۸۳۱-۸۲۵.
- کیا، صادق. (۱۳۹۰). *واژه‌نامه شصت و هفت گویش ایرانی*.
- تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کردی، رضا و حبیبی، طیبه. (۱۳۸۴). *فرهنگ تطبیقی لغات و اصطلاحات کرمان شمالی*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۸۴). گستره گویش‌شناسی نوین. *مجله گویش‌شناسی*، دوره ۲. (شماره ۴)، صص: ۲۲-۲.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمدی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سن و جنس بر کاربرد زبان در شهرستان نایین. *مجموعه مقالات همایش گویش‌های مناطق کویری ایران*. سمنان: دانشگاه سمنان. صص: ۱۹۱۰-۱۸۹۵.

- Aijmer, K. (1996). *Conversational routines*. London: Routledge.
- Baker, A. E., & Hengeveld, K. (2012). *Linguistics*. UK: Wiley-Blackwell.
- Chambers, J. K., & Trudgill, P. (1998). *Dialectology*. New York: Cambridge.
- Crystal, D. (2000). *Language death*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gordon, E. (1997). Sex, speech and stereotype: Why women use more prestige speech forms more than men? *Language in Society*, 26, 47-63.
- Hudson, R. (1980). *Sociolinguistics*. London: Cambridge University press.
- Labov, W. (1972). *Sociolinguistics patterns*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Malmkjær, K. (2004). *The linguistics encyclopedia*. London and New York: Routledge.
- McCabe, A. (2011). *An introduction to linguistics and language studies*. UK and USA: Equinox.
- Milroy, M., & Gordon, M. (2003). *Sociolinguistics: Method and interpretation*. USA: Blackwell.
- Mistar, J. (2011). A study of the validity and reliability of self-assessment. *TEFLIN Journal*, 122, 45-58.
- Simpson, P., & Mayr, A. (2010). *Language and power*. New York: Routledge.
- Sunderland, J. (2009). *Gender and language*. In J. Culpeper, F. Katamba, P. Kerswill, R. Wodak, & T. McEnery (Eds). *English language* (pp: 536-549). USA: Palgrave Macmillan.
- Trudgill, P. (1972). *Sociolinguistics: An introduction*. Middlesex: Penguin.

پیوست: پرسشنامه

بسمه تعالی							
پرسشنامه حاضر تحقیقی در مورد میزان آشنایی و کاربرد واژگان موجود در گویش کرمانی می باشد. از آنجاکه اطلاعات نام و نام خانوادگی شما مورد نیاز نیست لذا خواهشمند است در پاسخ دادن به اطلاعات خواسته شده و همچنین سؤالات پرسشنامه دقت کافی را به عمل آورده و ما را در انجام هر چه دقیقتر این پژوهش یاری نمائید.							
باتشکر							
ردیف	واژه	آشنایی (معنی واژه)				از این واژه در گفتار روزمره خود	
۱	آدور	بیابان	خار	بوته	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲	آریک	آرام	باریک	لته	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۳	آبر کردن	بیرون کردن	به خاطر سپردن	بردن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۴	استوندن	گرفتن	ستایش کردن	بحث کردن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۵	اشنفتن	شناختن	شنیدن	شمردن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۶	امخته	عادت کرده	آموخته	انداخته	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۷	پسین	پس فردا	عصر	پس مانده	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۸	پیمیدن	راه رفتن	سوار شدن	اندازه گیری کردن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۹	تیله دادن	قول دادن	هل دادن	تکان دادن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۰	حقه	قوطی	حوله	لوله	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۱	خلوت	محبت	آسایش	سختی	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۲	خک	سرفه	خنک	سرما	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۳	ترش بالا	قابلمه	آبکش	لیوان	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۴	ترموس	ترسو	آب سردکن	کلمن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۵	تشرلد	ترشاله	اسراف	شبیبه	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۶	توره	شغال	خرگوش	جوجه تیغی	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۷	ته گاه	سکو	گاهی اوقات	باغچه	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۸	تیل	پُر	غلیظ	ناقص	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۱۹	دگل	ایستاده	خوابیده	خمیده	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۰	دولخ	رعد و برق	گرد و خاک	خس و خاشاک	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۱	رابرا	یکراست	مساوی	متضاد	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۲	رابون	راه راست	راه پله پشت بام	خیابان	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۳	رز بندی	جوی آب	دیوار	داربست	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۴	رسپون	چوب	طناب	آسمان	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۵	رگوندن	خراشاندن	تکاندن	تمام کردن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۶	روزگردون	شبانۀ روز	آفتاب گردان	بعد الظهر	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۷	سی قدرت	بسیار قوی	بسیار باهوش	بسیار شبیه	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۸	شاکول	فک	اندام	صورت	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۲۹	کاپیلو	کامل	بلند قد	انگشت کوچک	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۳۰	جر	زیاد	گود	سگین	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۳۱	برنگ	زرنگ	قاج	نصف	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۳۲	آدریمون	آزاده	سرگردان	سربلند	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم
۳۳	هدک خوردن	غصه خوردن	تعجب کردن	گریه کردن	نمی دانم	استفاده می کنم	استفاده نمی کنم

۳۴	کلیاس	کوچک □	کیوتر □	دالان □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۳۵	غال	تونل □	غمگین □	لانه پرنده □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۳۶	نوت	ناتمام □	نامه □	اسکناس □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۳۷	هادربون	آماده □	نگهبان □	بی حوصله □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۳۸	کوشک	کوچه □	کاغذ □	ناخن □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۳۹	گاچو	گیاه □	گهواره □	نوعی آش □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۰	گوف	اشتباه □	عطسه □	خمیازه □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۱	پرکت	پُر کردن □	خرد کردن □	تمام کردن □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۲	پنخل	زباله □	پارچه □	خرده چوب □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۳	خلوش	بی سواد □	بی ادب □	نادان □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۴	تک دو	یکی به دو □	تکاپو □	جر و بحث □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۵	مقراض	قیچی □	بدهکار □	دشمن □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۶	تنها خوارو	آدم خسیس □	طحال گوسفند □	دوست ناباب □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۷	عیرت	زشت □	آینه □	نصیحت □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۸	شیر دنگ	ملاج □	نخاع □	کلیه □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۴۹	هردمبیل	شلوغ □	آرامش □	آشفته □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □
۵۰	قینوس	کج و کوله □	چرت و پرت □	بی تربیت □	نمی دانم □	استفاده می کنم □	استفاده نمی کنم □